

نقش اینترنت در جامعه‌پذیری جنسیتی و تغییر سبک زندگی زنان در ایران و ترکیه

حمیرا مشیرزاده*

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

رقیه رضائی

کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

چکیده

در دنیای امروز، زنان نقش بسیار پررنگی در جامعه دارند. حضور زنانی که متفاوت از جامعه رفتار می‌کنند نیز انکارناپذیر است. این مطالعه تلاشی است برای درک نحوه تأثیرگذاری توسعه ارتباطات ناشی از جهانی‌شدن و اینترنت بر متفاوت شدن این زنان که با استفاده از مبانی نظری جامعه‌پذیری جنسیتی و جهانی شدن انجام شده است. مصاحبه عمیق با بیست و یک زن در ایران و ترکیه که به‌عنوان زنان «متفاوت» تلقی می‌شوند، به دستیابی به اطلاعات دست اولی از تجربه‌های زیسته آن‌ها منجر شد و با استفاده از تحلیل کیفی و راهبرد نظریه داده‌بنیاد به روش استراوس و کوربین، نقش اینترنت در زندگی متفاوت این زنان بررسی شد. در مرحله نخست یا مرحله جامعه‌پذیری جنسیتی اولیه، این زنان تفاوت بارزی نسبت به الگوی جنسیتی متداول جامعه خود تجربه نکرده‌اند. در مرحله دوم، نخستین نشانه‌های تفاوت با مواجهه آن‌ها با زیست-جهان «بیرون از اندرونی» شکل گرفته که متفاوت از زیست-جهان متداول جامعه آن‌ها است. مرحله سوم با «تخطی» از الگوهای مسلط جامعه‌پذیری جنسیتی مشخص می‌شود. در این مرحله زنان بررسی شده سعی می‌کنند که آگاهانه علیه سنت رفتار کنند- عملی که شبیه مفهوم‌سازی میشل فوکو از «مقاومت یا تخطی» است. در این جا اینترنت به‌عنوان یکی از ابزارهای پرنفوذ، نه تنها مواجهه زنان با زیست - جهان بیرون از اندرونی را تسهیل می‌کند، بلکه به روابط و سازوکارهایی منجر می‌شود که به گفته خود آن‌ها در مخالفت با هنجارهای سنتی هستند.

واژگان کلیدی

جامعه‌پذیری جنسیتی، جهانی‌شدن، اینترنت، سبک زندگی، هویت

*نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۰/۶

DOI: 10.22051/jwsps.2018.9137.1154

مقدمه

اینترنت در اغلب نقاط دنیا به مدد سرعت، فراگیر بودن و سایر امکان‌هایش توانسته است در شکل‌گیری و حفظ هویت‌های بدیل و گاه متضاد با هویت مطلوب جامعه‌پذیری جنسیتی هر جامعه‌ای مؤثر باشد. این امر خصوصاً در کشورهای در حال توسعه مشهودتر است (پایدار و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۰). از این رو بررسی تجربه‌های زیسته‌ی زنانی که متفاوت از عرف جامعه خود هستند، در شناخت الگوهای جدید جامعه‌پذیر شدن و تحلیل رفتارهای متفاوت حائز اهمیت است. این مطالعه کوششی است برای پاسخگویی به این سؤال: زنانی که سبک زندگی متفاوتی با سبک زندگی متعارف و سنتی جامعه خود دارند، این تفاوت را به چه تجربه‌ها یا عواملی در زندگی خود نسبت می‌دهند؟ و پرسش‌های فرعی که این مقاله به دنبال پاسخگویی است، عبارتند از: به طور مشخص در برگزیدن این سبک زندگی متفاوت خود چه نقشی برای ابزار و ارتباطات جهانی شده ناشی از اینترنت قائلند؟ زنان مورد بررسی نقش کدام روندهای اجتماعی‌شدن جنسیتی را در شکل‌گیری الگوی نامتعارف خود مؤثرتر می‌دانند؟ ارکان جامعه‌پذیری جنسیتی چه ویژگی‌هایی را برای یک زن به رسمیت شناخته و تفاوت‌های آن‌ها با الگوی مطلوب این ارکان در چیست؟ و در نهایت این زنان در مورد تفاوت الگوی خود با الگوی متداول و سنتی چگونه می‌اندیشند؟

نظر به این‌که این مطالعه، پژوهشی توصیفی است، فرضیه‌ای نخواهد داشت. در عین حال، ادعای اصلی مطالعه حاضر، تأثیرگذاری اینترنت بر تغییر جنبه‌های جنسیتی زنان در دو کشور ایران و ترکیه است. در این پژوهش، داده‌ها از راه مشاهده غیرمشارکتی و مصاحبه‌های عمیق تک‌نفره یا دونفره گردآوری شده‌اند. تمامی مصاحبه‌شوندگان به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. با استفاده از راهبرد نظریه داده‌بنیاد (روش استراوس و کوربین)، داده‌ها طی مراحل کدگذاری باز و محوری تحلیل شده و سپس نظریه از خلال توضیح مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی، شرایط علی، زمینه‌ها، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، سازمان‌یافته و مطرح شده‌است.

پیش‌تر نیز بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مرتبط علوم اجتماعی و سیاسی به نحوی موضوعات مربوط به این پژوهش را بررسی کرده‌اند. دسترسی به تقسیم‌بندی منسجمی از نوشته‌های مربوط به این حوزه، تنها با در نظر گرفتن دو حوزه متفاوت مورد بررسی این



پژوهش یعنی جامعه‌پذیری جنسیتی و جهانی‌شدن و رویکرد اصلی پژوهش یعنی بهره‌گرفتن از تجربه‌های زنان به‌عنوان منابع دست اول داده‌های پژوهشی و همچنین کشورهای مورد مطالعه یعنی ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور خاورمیانه‌ای غیرعرب زبان میسر می‌شود. لذا در این مطالعه، ادبیات مربوط به پژوهش در سه گروه طبقه‌بندی می‌شود. دسته نخست مربوط به جامعه‌پذیری جنسیتی و شامل نوشته‌هایی چون رشد جنسیت اثر گولومبوک و فی‌وش (۱۳۸۴)، روان‌شناسی زنان اثر جانت شیبلی هاید (۱۳۸۹)، جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی نوشته عباس محمدی اصل (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی زنان اثر ابوت و والاس (۱۳۸۱) و همین‌طور بخشی از آثار آنتونی گیدنز (۱۳۸۱ و ۱۳۹۰)، جامعه‌شناس برجسته، است. دسته دوم، آثار مربوط به جهانی‌شدن است که با تقسیم‌بندی این دسته از نوشتارها به دو بخش آثار مربوط به جهانی‌شدن اجتماعی و فرهنگی و ادبیات مربوط به تأثیرات جهانی‌شدن بر زندگی زنان، می‌توان آثاری چون اثر معروف کیت‌نش (۱۳۸۷) یعنی جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، برخی آثار ایمانوئل والرستین (۱۹۹۱) و در نقطه مقابل وی جهانی‌شدن نوشته رونالد رابرتسون (۱۳۸۰) را در زمره آثار دسته نخست و برخی نوشتارهای والتین مقدم (۱۳۸۱) چون مقاله‌ای با عنوان «جنسیت و جهانی‌شدن»، مقاله‌ای تحت عنوان «جنس و قدرت: تفاوت در تعاملات رایانه‌ای» از ساسمن و تاپسون (۲۰۰۰) و مقاله‌ای با عنوان «جنسیت و قدرت در ارتباطات آن‌لاین» از سوزان هرینگ (۲۰۰۱) را در رسته دوم این دسته آثار قرار داد. همچنین دسته سوم مربوط به وضعیت و تجربه زیسته زنان در خاورمیانه است. در این دسته از آثار می‌توان به کتاب نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی: با تأکید بر خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا اثر الهه کولایی و محمدحسین حافظیان (۱۳۸۵) و آمارها و گزارش‌هایی که توسط مؤسسه‌های متفاوتی چون سازمان ملل متحد، آژانس پناهندگان سازمان ملل، مؤسسه زنان سازمان ملل که در سال ۲۰۱۰ میلادی با هدف توانمندسازی زنان تأسیس شده، و سازمان عفو بین‌الملل تهیه و ارائه می‌شوند، اشاره کرد. همچنین در حوزه تجربه‌های زیسته زنان می‌توان از کتاب *زنان و خانواده* در *خاورمیانه* از الیزابت فرنیا^۱ (۱۹۸۵) یاد کرد. در دو بخش بعدی، مبانی مفهومی و روش‌شناختی پژوهش ارائه می‌شوند. سپس بر اساس آنچه پیش‌تر گفته شد، روند تغییر سبک زندگی زنان متفاوت از عرف در ایران و ترکیه بررسی خواهد شد.

آنچه در این مقاله به عنوان مبانی مفهومی مد نظر قرار می‌گیرد، حول محور چهار مفهوم اصلی جامعه‌پذیری جنسیتی، جهانی شدن با تأکید بر نقش اینترنت، فضاهای عمومی/خصوصی یا بیرونی/اندرونی و مقاومت یا تخطی خواهد بود.

جامعه‌پذیری جنسیتی از درون خانواده ریشه می‌گیرد و در واقع به عنوان یکی از شش کارکرد اصلی خانواده مطرح می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۹). در اثر جامعه‌پذیری جنسیتی که در خانواده رخ می‌دهد، دختر و پسر هر یک با هنجارهای جنسیتی زنانه یا مردانه اجتماعی می‌شوند تا بتوانند در بزرگسالی نقش‌های اجتماعی خود را بر عهده بگیرند (بروئر، ۲۰۰۱). نقش‌های اساسی جنسیت که کودکان در خانه می‌آموزند، بعدها به‌طور گوناگون در مدرسه و سایر بخش‌های جامعه تقویت می‌شود.

عموماً جامعه‌پذیری جنسیتی به دو مرحله اولیه^۱ و ثانویه^۲ تقسیم می‌شود. مرحله نخست که شامل زمینه‌های اجتماعی‌ای می‌شود، که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد، در کودکی رخ می‌دهد که فشرده‌ترین دوره یادگیری فرهنگی است. همچنین مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری جنسیتی در این دوره، خانواده است. مرحله دوم مربوط به آن بخش از فراگیری نقش‌های اجتماعی است که تا بلوغ رخ می‌دهد. در این مرحله فرد به واسطه یادگیری اجتماعی، هنجارهای جنسیتی جامعه خویش را می‌شناسد و با تقلید و درونی‌سازی در واقع به توقعات جامعه از خود به عنوان یک زن یا مرد جامعه عمل می‌پوشاند (گیدنز، ۱۳۹۰).

چنانچه بتوان جامعه‌پذیری جنسیتی را ابزار جامعه برای مهیا کردن افراد جامعه برای پذیرش نقش‌های اجتماعی و جنسیتی آن‌ها دانست که به خودی خود در اثر ارتباط نسل‌ها با یکدیگر رخ می‌دهد و در واقع فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، می‌توان نقش‌های اجتماعی را، به بخش‌های ثابت و نسبتاً بدون تغییر فرهنگ یک جامعه تعبیر کرد (گیدنز، ۱۳۹۰). همان‌طور که در خلال فرایند جامعه‌پذیری، افراد نقش‌های اجتماعی و جنسیتی خویش را می‌آموزند، در همین جریان زنان و مردان می‌توانند به «درک و تلقی از اینکه چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است»، یعنی هویت اجتماعی و جنسیتی خود دست

-
1. Primary Socialization
 2. Secondary Socialization



یابند. هویت بر دو نوع است: اجتماعی و شخصی. هویت در واقع از عواملی چون جهت‌گیری، تمایل جنسی، ملیت و قومیت و طبقه اجتماعی (گیدنز، ۱۳۹۰: ۴۹) و سبک زندگی (اباذری و چاووشیان، ۱۳۸۱) نشأت می‌گیرد. بنابراین، با وارد کردن مفهوم جنسیت به تعریف هویت، امری برساخته اجتماعی میسر می‌شود که در برگزیده تصویر است که هر جنسیت به واسطه عضویت در گروه زنان یا مردان از خود ساخته و در رابطه با دیگران (گل محمدی، ۱۳۸۹) و در قالب نقش‌های جنسیتی از خود نشان می‌دهد. این نقش‌های جنسیتی تحت تأثیر جهانی‌شدن، ممکن است تغییر کرده و به «روش‌ها و روابط زندگی دیگری» منتج شوند (غفوری و صالحی، ۱۳۹۵: ۱۵۹).

چنانچه جهانی‌شدن را «فرایند فشردگی فزاینده زمان و مکان، کوچک شدن پدیدارشناسانه جهان و شکل‌گیری جامعه‌ای جهانی» (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۹۷) بنامیم، می‌توانیم بر افزایش اجتناب‌ناپذیر حجم و تراکم ارتباطات اجتماعی صحنه بگذاریم. بنابراین، ایده هر آنچه که سنتاً مانعی بر سر راه ارتباطات اجتماعی قرار می‌گرفته است، یعنی جغرافیا، سیاست و فرهنگ (گل محمدی، ۱۳۸۹)، اکنون به یاری جهانی‌شدن از میان برداشته شده است و انسان‌ها به رغم تفاوت‌های جغرافیایی، ملیتی یا تبعیتی و فرهنگی قادرند با یکدیگر مراوده کنند.

نظریه‌پردازان فرهنگی جهانی‌شدن با یادآوری نقش بسیار مؤثر جریان‌ها و شبکه‌های رسانه‌ای، فرایند درهم‌تنیدگی و یکدست شدن جهان را می‌پذیرند و معتقدند همان‌گونه که تحولات فناوری در حوزه حمل و نقل زمینه‌های عینی جهانی‌شدن در حوزه اقتصاد را فراهم کرد، تحولات تکنیکی در حوزه ارتباطات و انتقال مفاهیم و اطلاعات نیز سبب جهش در جهانی‌شدن فرهنگ شد (گل محمدی، ۱۳۸۹) از جمله مهم‌ترین این تحولات باید از پیدایش رسانه‌های ارتباط جمعی در دهه‌های گذشته و پیدایش اینترنت در دو دهه گذشته یاد کرد. گیدنز (۱۳۸۱: ۶۸۲) درباره اهمیت رسانه‌ها و مخصوصاً اینترنت در جهانگیر شدن فرهنگ می‌گوید: «ما در عصر به‌هم‌پیوسته‌ای زندگی می‌کنیم که مردم سراسر جهان در نظم ارتباطی واحدی مشارکت دارند. این وضع تا حدی ناشی از برد بین‌المللی ارتباطات مدرن است. به لطف جهانی‌شدن و اینترنت تمام ماجراها و رویدادهای جهان گزارش می‌شوند و در دید جهانیان قرار می‌گیرند».

در مقابل نگاه گیدنز، نگاهی انتقادی نیز وجود دارد. در این دیدگاه فرهنگ در عصر

جهانی شدن دچار همگونی یا هم‌شکل‌گرایی است. این رویکرد بر این پایه استوار است که روند جهانی شدن به سمت تشابه و همانندی در سرتاسر جهان پیش می‌رود. برخی در این رویکرد نظراتی رادیکال دارند و تغییرات فرهنگی و به‌طور ویژه جریان‌های^۱ فرهنگ جهانی و پیامد آن تضعیف مرزهای میان فرهنگ‌ها را ناشی از جهانی شدن می‌دانند. به نظر می‌رسد فرهنگ‌ها در جهان امروز به‌طور فزاینده یا حداقل تا اندازه‌ای در حال شبیه شدن به همدیگر هستند. در این رویکرد تمایل به همگون‌سازی فرهنگی جهان تحت رهبری کشورهای غالب دیده می‌شود (ریتزر، ۲۰۱۰) و در برابر آن به تلاش برای حفظ تکثر فرهنگی تأکید می‌شود (والرستین، ۱۹۹۱).

در عصر جهانی شدن، فرهنگ به واسطه رسانه‌های انتقال اطلاعات، به طور نسبتاً ساده‌ای در سرتاسر جهان جریان پیدا کرده است. به طور مشخص اینترنت امکان انتقال دادن و سهیم شدن همگانی در اشکال دیجیتالی فرهنگ مانند سینما، فیلم، موسیقی، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها را ایجاد کرده است. کسانی که خود را قسمتی از یک فرهنگ یکسان می‌بینند، می‌توانند ارتباط خود را با دیگری از طریق ایمیل یا به وسیله ارتباط رودرروی مجازی بیشتر حفظ کنند (ریتزر، ۲۰۱۰).

همین امر، به تغییر عمده‌ای در تعریف فضاهای عمومی و خصوصی منجر شده است که پیش‌تر از سوی نظریه‌پردازان فمینیست مطرح شده بود. بسیاری از جامعه‌شناسان چون کاستلز (۱۳۸۴)، گیدنز (۱۳۹۰)، اسپوزیتو و همکاران (۱۳۹۱) و اجویت و کارکینر (۲۰۱۱) نیز معتقدند که تا پیش از فراگیر شدن اینترنت و فروپاشی مرزهای بین خصوصی و عمومی در جامعه پدرسالار، جای زنان در خانه و جای مردان در محیط کار بود. لذا طرح مفاهیم و مضامین استعاری که از سایر شاخه‌های علوم مانند معماری وام گرفته می‌شوند، هرچند که در زمان کنونی کارکرد خود را از دست داده باشند، می‌تواند در بررسی و درک جایگاه زنان در جوامع مورد بررسی، حائز اهمیت باشد. هنگام طرح مباحث پیرامون حوزه‌های خصوصی و عمومی در معماری، عموماً دو واژه اندرونی و بیرونی بیش از سایر واژه‌ها می‌توانند معادل این حوزه‌ها در فضای خانه‌های شرقی قرار گیرند که به نوعی فضای تحت کنترل و مورد استفاده زنان بوده است.

1. Flows

اندرونی بنا به کارکرد آن در معماری سنتی ایران، معادل همان واژه‌ای است که در ادبیات جامعه‌شناسی و فمینیستی به حوزه خصوصی تعبیر شده است. حوزه خصوصی یعنی حوزه‌ای که توسط غرایز و عواطف و نه عقل مردانه اداره می‌شود و گاه در ادبیات عرب با نام‌های خلوت، عزلت و سرّی نیز ظاهر می‌شود (غنام، ۲۰۰۲). این حوزه در فرهنگ مورد بحث صرفاً زنانه بوده است. در مقابل حوزه خصوصی، حوزه عمومی قرار دارد. برخی از زنان مورد مطالعه این پژوهش، به بیانی استعاری بدون خروج از خانه و تنها با گذر از دیوارهای مجازی میان اندرونی (خانه) و بیرونی این امکان، یعنی مواجهه با بیرونی (زیست-جهان‌های دیگر) را یافته‌اند. این در حالیست که بخش دیگری از زنان مورد مطالعه تنها هنگامی توانسته‌اند با زیست-جهان‌های متفاوت مواجه شوند که پا را بنا به بهانه‌ای چون دانشگاه رفتن از مرزهای فیزیکی خانه بیرون گذاشته و به‌طور کلی به فضای بیرون از خانه یا فضای عمومی راه یافته‌اند. بنابراین، به‌رغم حوزه عمومی محسوب شدن بیرونی، حالت بینابینی و مرزواری که بیرونی در معماری ایران داشته است، می‌تواند بیان‌کننده ارتباط منظمی باشد که در این پژوهش زنان برای دسترسی به فضای بیرون از خانه و تجربه سبک زندگی متفاوت از سبک زندگی متداول از آن بهره برده‌اند.

اما این سبک زندگی متفاوت را می‌توان به شکلی مقاومت^۱ یا تخطی نامید. تخطی یکی از مفاهیمی است که در خوانش‌های فکری متفکرانی مانند ژرژ باتای، موریس بلانشو و به ویژه میشل فوکو وجود دارد. تخطی از دیدگاه این متفکران، فضایی است که در آن محدودیت‌ها بدون آن‌که از بین بروند نقض می‌شوند (سایمونز، ۱۳۹۰). «تخطی غلبه بر محدودیت‌ها و به‌راه انداختن و بر پا کردن قاعده سرکوب‌شده آزادی نیست، بلکه نشان می‌دهد ما چه هستیم و هستی ما به وجود محدودیت‌ها چه بستگی‌هایی دارد» (سایمونز، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

در مقابل این رویکرد، رویکرد کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز قرار می‌گیرد. پارسونز برای هر نظام اجتماعی، چهار کارکرد را تعریف می‌کند. بنا به کارکرد چهارم که سکون و نگهداشت الگوست، او معتقد است که در نظام مطلوبی که نظارت و کنترل اجتماعی فقط گه‌گاهی به‌کار بسته می‌شود، برخی تنوعات و کج روی‌ها از سمت این نظام تحمل می‌شوند، اما اجتماعی کردن و نظارت اجتماعی سازوکارهای اصلی هستند که نظام از طریق

آن‌ها توازن خود را نگاه می‌دارد. بنابراین، با کمی فردگرایی و کج‌روی می‌توان کنار آمد، اما با صورت‌های افراطی‌تر آن باید با سازوکارهای متوازن‌کننده برخورد کرد (ریتزر، ۱۳۸۵). این دیدگاه پارسونز و اشاره مستقیم وی به «کج‌روی» و نابه‌نجار دانستن رفتارهایی که کارکرد نگهداشت الگو را به مخاطره می‌اندازند، به خوبی بیان‌کننده دیدگاه او و تقابل آن با دیدگاه فوکو است. در حالیکه پارسونز دغدغه جامعه به‌عنوان یک کل را مطرح می‌کند، فوکو نگران فرد و هویت‌هایی است که به او تحمیل می‌شود.

بنا به تجربه‌هایی از زنان مورد بررسی که مبنای نظریه‌پردازی پژوهش حاضر هستند و تأکید این پژوهش بر برداشت خود آن‌ها از هویت و سبک زندگی متفاوت‌شان و با وام گرفتن از درکی که متفکران پساساختارگرای فرانسه از تخطی ارائه می‌دهند، در این پژوهش از مفهوم تخطی استفاده می‌شود نه نابه‌نجاری. تخطی در پژوهش حاضر، به‌رغم تعریف موضعی و موردی که فوکو و دیگران از آن ارائه می‌دهند، به معنای فرا رفتن از محدوده‌های جامعه‌پذیری جنسیتی و ایجاد اشکال نوینی از هویت و نقش است، هر چند که این اشکال جدید هویت و نقش جنسیتی نمی‌توانند کاملاً از محدوده‌هایی که الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی ایجاد می‌کند، فراتر رفته و بدیلی برای جامعه‌پذیری جنسیتی بسازند. لازم به تأکید است که انتخاب اخلاق مقاومت دائم یا تخطی از الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی، به جای کج‌روی، تنها به دلیل تأکید تجربه‌های زنان مورد بررسی به این امر است و لزوماً به معنای موضع‌گیری و تحلیل جانب‌گرایانه از سوی این پژوهش نیست.

روش پژوهش

این پژوهش درصدد بود با استفاده از روش‌های کیفی مشاهده، مصاحبه عمیق و با راهبرد نظریه داده‌بنیاد به روش استرواس و کوربین، چگونگی تأثیرپذیری و تغییر هویت زنان نسبت به الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی را به واسطه ارتباطات اینترنتی مطالعه کند. راهبرد نظریه داده‌بنیاد در واقع، راهبردی است که با استفاده از آن نظریه‌ای به‌وجود می‌آید که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند (هوارد-پین، ۲۰۱۶). شایان ذکر است که در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای شروع نمی‌کند که از پیش در ذهن دارد، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد

که نظریه از درون داده‌هایی پدیدار شود که گرد آورده‌است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰؛ ۲۰۰۸).

روش مشاهده به عنوان تنها روش مفید برای انتخاب افراد مورد مطالعه قلمداد شده و استفاده شده است. در واقع تنها از این طریق انتخاب مصاحبه‌شوندگان میسر شده است. همچنین انتخاب روش مصاحبه عمیق به عنوان استراتژی کلی پژوهش حاضر از آن روست که به نظر می‌رسد با توجه به نقاط قوت آن^۱ در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، در این تحقیق خاص، کارایی بیشتری داشته است. در این پژوهش از روش انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها به صورت نظری و هدفمند استفاده شده و مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه یافته است. نظر به این امر، افراد مورد مطالعه همگی از میان دانشجویان زن یا زنان شاغل و از محیط‌های نزدیک به دانشگاه‌های تهران و آنکارا چون کافه‌ها و رستوران‌ها و دفاتر احزاب یا انجمن‌های سیاسی و اجتماعی و نیز محوطه خود دانشگاه‌ها انتخاب شده‌اند. همچنین این افراد در ایران ۱۰ نفر و در کشور ترکیه ۱۱ نفر بوده‌اند.

بدین ترتیب و با توجه به شناخت نسبی از جوامع ایران و ترکیه، در مرحله اول گردآوری داده‌ها که مرحله انتخاب فرد مورد مطالعه نیز هست، اشخاصی انتخاب شده‌اند که ظاهر و رفتاری مغایر با الگوی سنتی این جوامع دارند. این افراد عموماً در ایران دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تهران هستند. همچنین در میان آن‌ها برخی روزنامه‌نگار هستند. در مورد ترکیه نیز این زنان بیشتر از مجامع سیاسی و اجتماعی مانند انجمن‌های زنان یا دفتر احزاب سیاسی انتخاب شده‌اند. شایان ذکر است که هر یک از مصاحبه‌ها دست کم ۵۰ دقیقه و به صورت متمرکز بر روی مباحث و چارچوب اصلی بوده‌است و تا حد ممکن برای بی‌طرف ماندن در طی جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل مصاحبه‌ها و نگارش گزارش تلاش شده‌است. جدول زیر مشخصات این مصاحبه‌شوندگان را ارائه می‌کند:

۱. می‌توان داده‌ها را در محیط طبیعی جمع‌آوری کرد؛ ۲) پژوهشگر با منبع اطلاع دهنده چهره به چهره برخورد می‌کند؛ ۳) همکاری با جامعه مورد تحقیق را آسان می‌کند؛ ۴) می‌توان بر فعالیت‌ها، رویدادها و رفتارها متمرکز کرد؛ ۵) می‌توان درباره رفتارهایی غیر گفتاری داده‌هایی را جمع‌آوری کرد.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

نام	سن	ملیت	قومیت	شغل
۱ اسما	۲۶	ایران	فارس	دانشجو
۲ سمیرا	۲۴	ایران	فارس	دانشجو
۳ مینا	۲۶	ایران	فارس	دانشجو
۴ سمیه	۲۵	ایران	کرد	دانشجو
۵ شادی	۲۷	ایران	آذری	دانشجو
۶ ثمین	۲۰	ایران	فارس	دانشجو
۷ شیرین	۱۹	ایران	فارس	دانشجو
۸ فائزه	۲۴	ایران	فارس	روزنامه‌نگار
۹ میترا	۲۰	ایران	فارس	دانشجو
۱۰ عرفانه	۲۴	ایران	فارس	دانشجو
۱۱ ازگی	۲۳	ترکیه	ترک	دانشجو
۱۲ نیبه	۲۳	ترکیه	ترک	دانشجو
۱۳ غزال	۲۲	ترکیه	کرد	دانشجو
۱۴ ملک	۲۵	ترکیه	ترک	دانشجوی دکترا و کمک استاد
۱۵ ملیکه	۲۶	ترکیه	کرد	دانشجوی دکترا و کمک استاد
۱۶ آیسون	۳۴	ترکیه	ترک	محقق و مدرس دانشگاه
۱۷ سنا	۱۹	ترکیه	کرد	دانشجو
۱۸ پلین	۳۳	ترکیه	ترک	محقق و مدرس دانشگاه
۱۹ اوزگول	۴۸	ترکیه	ترک	کارگر
۲۰ بیلگی	۴۱	ترکیه	کرد	معلم
۲۱ جهاده	۳۲	ترکیه	رومی	کارمند

نظر به انتخاب استراتژی استفهامی که پاسخگوی هر دو نوع سؤال چستی و چرایی (بلیکی، ۱۳۸۷) در موضوع مورد نظر پژوهش حاضر است، مصاحبه عمیق یک نفره یا دو نفره، به عنوان کارآمدترین رویه برای بررسی موضوع و پاسخ دادن به پرسش‌های پژوهش در نظر گرفته شده است. این شیوه از مصاحبه با در نظر گرفتن افراد مصاحبه‌شونده به عنوان مخزن پیچیده‌ای از دانش در مورد موضوع مورد مطالعه، تجربه‌ها و نظریه‌های شخصی آن‌ها را در



حوزه مورد مطالعه بررسی می‌کند. بنابراین، این روش از مصاحبه عمیق در این پژوهش مورد استفاده واقع شده است. شایان ذکر است که مصاحبه‌ها حول محور سؤالات زیر اجرا شده است و این پرسش‌ها به تدریج و تجربه بیشتر پژوهشگر تصحیح و تکمیل شده‌اند و از ابتدا به شکل کنونی نبوده‌اند، بلکه در جریان مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته اولیه صیقل خورده و شکل گرفته‌اند (باغبان مشیری و شهابی، ۱۳۹۶: ۱۴۰).

۱. آیا خود را متفاوت با آنچه به صورت عرفی زن تلقی می‌شود و اکثریت زنان مشابه آن هستند می‌دانید؟ در چه زمینه‌هایی احساس تفاوت می‌کنید؟ بقیه زنان معمولاً در این زمینه‌هایی که نام بردید چگونه هستند؟
۲. جامعه چه انتظاراتی از یک زن دارد؟
۳. چگونه متفاوت شدید؟ روندی را که بر شکل‌گیری تفاوت‌های شما از سایر زنان و آنچه که جامعه از یک زن توقع دارد تأثیر داشت شرح دهید.
۴. آیا می‌توانید ارتباطات اینترنتی را که تا به حال داشته‌اید شرح دهید؟ محتوای گپ‌های اینترنتی و نیز مطالبی که به مطالعه آن‌ها می‌پردازید یا می‌پردازید مانند وبلاگ‌ها، نوشتارها و یادداشت‌ها چیست؟
۵. به عنوان یک زن چه تأثیراتی از اینترنت گرفته‌اید؟ بیشتر بر جنبه‌هایی از تجربه‌تان تأکید کنید که بر زندگی شما به عنوان یک زن تأثیر گذاشته است.
۶. آیا به نظر خودتان اینکه متفاوت هستید چگونه است؟ احساسی که دارید چیست؟ به صورت آگاهانه به این تفاوت‌ها دست یافته‌اید یا حاصل شرایط بوده است؟ به تجربه‌هایتان رجوع کنید.

نظر به دانش تلقی شدن تجربه‌های شخصی به رسمیت شناخته نشده زنان در رویکردهای مطالعات زنان، پاسخ پرسش‌های انجام شده در روند مصاحبه‌ها به شکل داده‌های پژوهش حاضر لحاظ شدند. سپس این داده‌ها در دو مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری تحلیل شدند. در ابتدا و در مرحله کدگذاری باز، با برچسب‌گذاری مفهومی، نشانه‌ها شکل گرفته و سپس با تجمیع نشانه‌ها، مفاهیم ساخته شدند. با در کنار هم قرار دادن مفاهیم، مقوله‌های تحقیق شکل گرفت. در مرحله بعدی تحلیل، یعنی کدگذاری محوری، مقوله محوری از راه نزدیک کردن مقوله‌های مربوط به یک بازه از روند جامعه‌پذیری جنسیتی، حول یک محور

تشکیل و بدین طریق، تلاش شد تا شرح توصیفی به شرح تحلیلی بدل شود (بنگرید به: استراوس و کوربین، ۱۳۹۰). در نهایت نیز، شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، با تکیه بر مهارت‌هایی چون مهارت ساماندهی به جمله‌ها و بیان روشن و صریح اندیشه پژوهشگر (برایانت و چرمز، ۲۰۰۷) و با بهره‌گیری از داستان تحلیلی روشنی (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰؛ ۲۰۰۸) به تفکیک مطرح شده و در فرجه نظریه به کار برده شدند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش، پیش از هر چیز، حول مفهوم «سبک زندگی» مفصل‌بندی می‌شوند. سبک زندگی با تکیه بر فرد به عنوان اولین و آخرین تصمیم‌گیرنده و در عین حال بسیار وابسته به نهادهایی چون خانواده، آموزش رسمی، گروه همسالان و بالاخره رسانه به خوبی می‌تواند بیان‌کننده طرز فکر و سلیقه‌های شخصی فرد، فشارهای اجتماعی و سیستم‌های کنترل اجتماعی محسوس (قانونی) و نامحسوس (عرفی) باشد. سبک زندگی راهی برای تعریف «ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و هویت افراد» است (اباذری و چاووشیان، ۱۳۸۱: ۶). سبک زندگی را همچنین می‌توان «بیان‌کننده»^۱ خواند. به این معنا که شخص از طریق سبک زندگی خود را به جهان پیرامونش معرفی می‌کند. سبک زندگی از طریق «چهره‌ها» (انتخاب لباس و رفتارها) و «اعمال و کردارها» (انتخاب فعالیت‌های فراغت)، «اشیاء و مبلمان منزل و از طریق انتخاب دوستان» نیز بیان می‌شود (گیبیز و بوریمر، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

بنابراین، سبک زندگی نشأت‌گرفته از آموخته‌های فرد (هم تجربی و هم نظری) و انتخاب‌های شخصی او تحت فشارهای دنیای واقعی است. تصمیم‌هایی که ما درباره چگونگی لباس پوشیدن، رفتارکردن و چگونگی وقت‌گذراندن می‌گیریم، به شکل‌گیری کیستی یا هویت ما می‌انجامد (گیدنز، ۱۳۹۰: ۵۱). زنان به‌عنوان اعضای جامعه در طی زندگی خود، نقش‌های جنسیتی مختلفی چون نقش دختری، همسری، مادری و مادر بزرگی را می‌پذیرند. آن‌ها هر یک از این نقش‌ها را در حالی تبلور می‌بخشند که نه به‌عنوان پذیرنده صرف نقش‌های جنسیتی، بلکه به‌عنوان فردی دارای اختیار، نوعی از سبک زندگی و متعاقباً هویت اجتماعی را برای خود پسندیده و به اجرا می‌گذارند.

همچنین، بررسی و مطالعه چندباره متن مصاحبه‌ها نشان داد که در گام نخست، یافته‌ها باید به سه بخش تقسیم شوند. این بخش‌ها، هر یک تبیین‌کننده یکی از مراحل سه‌گانه زندگی زنان مورد مصاحبه هستند. در واقع، مبنای این شکل از سازماندهی یافته‌ها، بر اساس ماتریسی است متشکل از مرحله‌ای از جامعه‌پذیری جنسیتی که زنان با در نظر گرفتن آن، به سؤال مطرح شده پاسخ می‌دهند. این مراحل شامل مرحله جامعه‌پذیری اولیه، جامعه‌پذیری جنسیتی ثانویه و مرحله تخطی از الگوی «زن خوب» که معمولاً از نظر زمان وقوع، به ترتیب مصادف با دوران کودکی و اوایل نوجوانی، دوران نوجوانی و اوایل جوانی و نهایتاً اکنون مصاحبه‌شوندگان است که در آن سبک زندگی متفاوت از سبک زندگی مورد پسند جامعه را برگزیده‌اند.

مرحله جامعه‌پذیری اولیه یا زندگی در زیست-جهان اندرونی: در پاسخ به سؤال اول، یعنی متفاوت دانستن خود از عرف، زنان مورد مطالعه اکثراً اظهار کرده‌اند که در این مرحله از زندگی خود، با الگوی جنسیتی مطلوب عرف تفاوت چندانی نداشته‌اند و بنا به تعبیری در زیست-جهان اندرونی، حضور داشته‌اند. آن‌ها تنها رفتارهای پراکنده و متفاوتی را به رسمیت شناخته‌اند که تحت عنوان مفاهیمی چون اعتماد به نفس یا پسرانه بودن قابل تعریف هستند. همچنین در پاسخ به این سؤال که چگونه از اینترنت تأثیر پذیرفته‌اند؟ همگی اذعان کرده‌اند که در این برهه از زندگی، اینترنت هیچ نقشی نداشته است. البته، همچنان در همین مرحله نیز، پاسخ به این سؤال که دختر بچه خوب کیست، «مطیع و حرف گوش کن» بودن مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد که کم‌علاقه بودن مصاحبه‌شوندگان به صحبت درباره این مرحله از زندگی، نشان‌دهنده سهل‌گیری جامعه به فرد و در نتیجه کم‌تر بودن چالش‌های اجتماعی باشد.

لذا در این بخش، مقوله‌های فرعی چون «عدم تفاوت در سبک زندگی»، «عدم تأثیرپذیری از اینترنت» و «حرف گوش کن بودن» به دست آمده‌اند. از بررسی رابطه این مقوله‌ها با یکدیگر نیز، در نهایت مقوله محوری این بخش، یعنی «زندگی در زیست-جهان اندرونی» استخراج شده است.

شرایط علی در این مرحله، شامل سن و جامعه سنتی است. در واقع، به واسطه اینکه فرد در این بازه زمانی، هنوز بالغ نیست و بسیار متکی به خانواده است، ناچار به «زندگی در زیست-جهان اندرونی» است. برای مثال، عرفانه، ۲۴ ساله می‌گوید: «بچه که بودم همیشه مادرم کنارم بود و اغلب به تذکری بهم می‌داد. مثلاً درباره آدامس جویدن یا سنگ رو با پا شوت

کردن!» همچنین جامعه سنتی با قواعد نانوشته آن که دختران را بیش از پسران، «خانگی» بار می‌آورد، در این مسأله تأثیرگذار است که فرد نتواند از زیست-جهان اندرونی خارج شده و دیگری را مشاهده کند. نیبه، ۲۳ ساله که از اهالی شمال شرق ترکیه است و در آنکارا دانشجویست، می‌گوید: «از بچگی من باید کارهای خانه و باغ را می‌کردم و برادرم کارهای بیرون را انجام می‌داد.»

در این بخش، نظر به یک‌دست بودن نمونه‌ها که از نتایج نمونه‌گیری هدفمند است، شرایط زمینه‌ای بروز مقوله اصلی که به‌طور خاص در شکل‌گیری کنش‌های افراد نیز تأثیرگذار است، به چشم نمی‌آید. با این حال، بنا بر تجربه‌های زنان مورد بررسی، شرایطی چون «ترس از طرد شدن از سوی خانواده» و «محدودیت ارتباط‌های خانوادگی»، از جمله شرایط مداخله‌گر این بازه زمانی هستند. مثلاً سمیه دانشجوی ۲۵ ساله درباره ترس خود از متفاوت شدن می‌گوید: «متفاوت شدن ترسناکه! خانواده همیشه تو رو می‌ترسونند که ببین مثل دیگران نیستی و این چقدر بده!» جهاده، ۳۲ ساله، اهل شهر کوچکی در غرب ترکیه و با زمینه قومی رومی است، در این باره می‌گوید: «کودکی ما به جنگ بین پ‌کاکا و ارتش گذشت، برای همین من هیچ وقت، هیچ فرد کردی رو یا کسی که از شرق و مرکز ترکیه باشه، ندیده بودم. روابط ما محدود به خانواده و دوستان ترک با ریشه رومی بود.»

با تجمیع همه این عوامل در نهایت در مرحله جامعه‌پذیری اولیه، کنش «عدم تفاوت با الگوی مطلوب جامعه» رخ می‌دهد که همگی زنان مورد بررسی به آن اذعان کرده‌اند. تنها دو نفر از مصاحبه‌شوندگان، معتقد بودند که در کودکی نیز متفاوت بوده‌اند. آن‌ها تفاوت خود را در غالب مفهوم «پسرانه بودن» مطرح کرده‌اند. بدون شک، پیامد بروز چنین کنش‌های یک‌دستی، «همگون بودن جامعه» و «بهنجارسازی» است که از اهداف اصلی جامعه‌پذیری جنسیتی محسوب می‌شود و این بدین معناست که در نبود اینترنت، خلل چندانی به بدنه جامعه‌پذیری جنسیتی وارد نشده است.

مرحله جامعه‌پذیری ثانویه یا سرکشیدن به زیست-جهان بیرونی: در این مرحله که بسته به خرده‌فرهنگی که فرد مصاحبه‌شونده از آن می‌آید، از اواسط دوران نوجوانی تا اوایل دوران جوانی متغیر است (گیدنز، ۱۳۹۰)، فرد، به‌رغم حضور در اندرونی، به «زیست-جهان بیرونی» نیز سرکشی می‌کند و با مشاهده «دیگری»ها، به سنجش و سبک و سنگین کردن «زیست-



جهان‌های دیگر» پرداخته و سعی می‌کند، هویت اجتماعی خود را شکل دهد. بنابراین، مقوله اصلی استخراج‌شده در این مرحله، «سرکشیدن به زیست-جهان‌های بیرونی» است. شرایط علی: شرایط علی در این برهه را می‌توان درباره «سن» و «ارتباط با گروه‌های همسن» دانست. بدین ترتیب که با توجه به سن، استقلال فرد از نظر جامعه و خانواده تاحدی پذیرفته شده و به او اجازه مشارکت در گروه‌های دوستی داده می‌شود. همین امر به فشار گروه‌های همسن منجر می‌شود که خود در شکل گرفتن «خود سرکش» و «مواجه شدن با دیگری‌ها» مؤثر است. برای مثال، مینا، ۲۶ ساله و دانشجوی علوم اجتماعی می‌گوید: «دوستی داشتم که خیلی مذهبی بود. ما با هم حرف می‌زدیم. من هم مذهبی بودم. بعد اون به من یک سری جزوه داد. بعد اون جزوه‌ها رو من می‌خوندم و خیلی علاقه پیدا کرده بودم بهشون. مرید یه عارفی بودن. با هم جلسه داشتن و بهشون اخلاق و فلسفه درس می‌داد. اینجوری شد که من از فاز مذهبی که خانواده‌ام داشتن در اومدم.» همین‌طور، غزال، ۲۲ ساله، کرد و اهل شرق ترکیه درباره اولین مخالفتش با پدرش می‌گوید: «چهارده پانزده ساله بودم و عضو کمیته جوانان حزب سوسیالیست (اس پ) که با رفقای همسن و سالم برای یک تظاهرات خیابانی رفتم استانبول. وقتی برگشتم پدرم کتکم زد. همین جا بود که موضوع جنسیت و سنت‌های ضد زن برایم روشن شد.»

شرایط زمینه‌ای: شرایط زمینه‌ای این مرحله نیز قابل تقسیم‌بندی به سن، طبقه اجتماعی، شرایط فرهنگی است. در واقع، نکته جالب در این پژوهش این است که افرادی که سن آن‌ها بین ۲۰ - ۲۳ سال است (در زمان انجام پژوهش در سال ۱۳۹۲) هم در ایران و هم در ترکیه، روند ساده‌تر و کم‌چالش‌تری در آشنایی با زیست-جهان‌های دیگر و در نتیجه «سرکشیدن به زیست-جهان بیرونی» داشته‌اند. این امر به مدد اینترنت و دسترسی به آن ایجاد شده است که بعدتر در مبحث شرایط مداخله‌گر توضیح می‌شود. این در حالی است که افرادی که بیشتر از ۲۳ سال سن داشتند، روند پیچیده‌تری را تجربه کرده‌اند که اغلب با مطالعه کتاب‌های قطور، تماشای فیلم‌های مدرن یا حضور فردی غیرمعمول و متفاوت از عرف، در محیط خانواده همراه بوده است. برای مثال، اسما، ۲۶ ساله و دانشجوی تحصیلات تکمیلی، درباره روند تغییر سبک زندگی خود می‌گوید: «برای من اینجوری نبوده که مثلاً حجاب بهم سخت شده باشه و ازش بدم بیاد. برای من خیلی آروم آروم اتفاق افتاده و بیشترش هم با کتاب خوندن برام اتفاق

افتاده. مثلاً کتاب‌های فمینیستی و رمان و فیلم خیلی تأثیر داشته و دوروبری‌ها و دوستانی که داشتم خیلی تأثیر داشته.»

این در حالی است که مثلاً میترا ۲۰ ساله، روند ساده‌تری را تجربه کرده است. او با استفاده از اینترنت که در دوران نوجوانی او فراگیرتر بوده است، توانسته با چالش کم‌تری به «زیست-جهان بیرونی» سرکشی کند و مورد غضب خانواده نیز قرار نگیرد. سنا، ۱۹ ساله و اهل دیاربکر ترکیه، از طریق اینترنت و ساده‌تر از رفقای هم‌حزبی‌اش، راجع به حزب اطلاعات به‌دست آورده و جذب آن شده است.

عامل دیگر یعنی طبقه اجتماعی نیز نقش مؤثری را در شکل‌گیری مواجهه زنان مورد بررسی با زیست-جهان‌های دیگر ایفا کرده است. در مواردی چون ثمین که از طبقه مرفه تهران و شادی که از طبقه نسبتاً فقیر تبریز است، این تفاوت خود را بیشتر نشان می‌دهد. برای ثمین، دیگری بودن، به واسطه سفر بیشتر و شرکت در کلاس‌های فوق برنامه ساده‌تر شده است. در حالیکه، شادی برای رفتن به استخر محله‌شان، بعد از مدت‌ها جمع کردن پول تو جیبی‌اش، حتی از پدرش کتک نیز خورده است.

شرایط فرهنگی هر چند با طبقه اجتماعی بسیار در هم‌تنیده است، اما خود به تنهایی هم اهمیت بسیار زیادی دارد. در وصف این شرط زمینه‌ای همین بس که به تجربه ازگی و نبیه اشاره کنیم که هر دو دوست و همسن هستند. نبیه از شمال شرق ترکیه و از خانواده‌ای روستایی و ازگی از خانواده‌ای تحصیل کرده و اهل آنکارا، هر یک تجربه‌ای متفاوت داشته‌اند. برای ازگی که از ابتدا «درک چندانی از نقش‌های جنسیتی سنتی نداشته است»، اصولاً آندرونی به شدت نبیه که «تبعیض بین او و برادرش» او را آزار می‌داده نبوده است.

شرایط مداخله‌گر: مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر در این دوران را می‌توان دسترسی به آثار مکتوب، دیداری و شنیداری، افراد غیرمعمول در خانواده و نزدیکان و اینترنت دانست. این عوامل همگی به‌طور عام بر کنش فرد، تأثیرگذار بوده‌اند که همان «اقدام به شکل‌دهی به هویت متفاوت از عرف» است. سمیرا، ۲۴ ساله در برهه شناخت «زیست-جهان‌های بیرونی» از نشریه‌های اصلاح‌طلب دوران نوجوانی خود بهره فراوان برده است و همچنین فیلم‌هایی را نیز تأثیرگذار می‌داند که متفاوت از فضای زیست او بوده‌اند. شادی، ۲۷ ساله که وجه تفاوت خود را چپ‌گرایی می‌داند، درباره روند تغییر زیست جنسیتی خود می‌گوید: «تنها چیزی که از



بچگی به آن علاقه داشتم کتاب خواندن بود. بین شش بچه فقط من اینقدر پیگیر مطالعه بودم. برام جذابیت داشت. کم‌کم در دوره دبیرستان که با سیاست آشنا شدم می‌دیدم که نمی‌توانم بی تفاوت باشم».

نهایتاً، از تشکیل کنش، پیامدها حاصل می‌شوند که در این برهه می‌توان آن‌ها را به «شکل‌گیری هویت‌های جدید در بین نوجوانان» محدود کرد.

مرحله تخطی از الگوی رایج جامعه‌پذیری جنسیتی یا «زندگی در زیست-جهان بیرونی»: در این مرحله، مقوله اصلی، «مقاومت برای زندگی در زیست-جهان بیرونی» است که از دل روابط بین مقوله‌های فرعی چون «سبک زندگی متفاوت از عرف»، «بالیدن به سبک زندگی متفاوت» و «هزینه دادن برای سبک زندگی متفاوت» بیرون آمده است.

شرایط علی: در این مرحله، شرایط علی، شامل «تحصیل دور از خانه و خانواده»، «دسترسی به اینترنت»، «دسترسی به محیط‌های مدرن» و «حضور در جمع‌های روشنفکری» است. برای مثال، در مورد «تحصیل دور از خانه و خانواده»، سمیه می‌گوید: «اولین بار که تا دیروقت بیرون از خونه بودم، وقتی بود که تو خوابگاه زندگی می‌کردم و دور از خانواده. هنوز هم همین‌طوره، وقتی بر می‌گردم خونه، باید قبل از ساعت ۹ خونه باشم». همان‌طور که گفته شد استفاده از اینترنت نیز بر تداوم مقوله محوری این بخش، یعنی «مقاومت برای زندگی در زیست-جهان بیرونی» تأثیرگذار است. در این زمینه، سمیه معتقد است که «با اینترنت متوجه توانایی‌ها می‌شی. اگه روابط اجتماعی بیشتری داشته باشی می‌تونی بنویسی، می‌تونی نقد کنی یا فیدبک بگیری و می‌شه بهت توجه کنن و جدیت بگیرن. خیلی وقت‌ها جنسیتت رو هم می‌دونن، ولی جدیت می‌گیرن چون پیش فرض ندارن در موردت. ولی توی فضای واقعی خیلی کم این اتفاق می‌افته مخصوصاً در مورد دخترها. و وقتی توی اینترنت جدی گرفته می‌شی تازه به تو تلنگر وارد می‌شه که تو این قدر ضعیف نیستی. اینترنت یه کم هم حس توانایی می‌ده یعنی انگار تو یه چیزی می‌دونی که یه قدم جلوتر هستی».

در مورد عامل «دسترسی به محیط‌های مدرن و جمع‌های روشنفکری» نیز، ثمین ۲۰ ساله می‌گوید: «یک جاهایی هست که میتونم خودم باشم، سیگار بکشم و با دوستانی که شبیه خودم هستند ارتباط بگیرم. از دوستان خودم می‌پرسم که چه کتاب‌هایی بخونم و همین‌تو تداوم اینکه مثل بقیه نباشم تأثیرگذاره». همین‌طور ملیکه، اهل شرق ترکیه می‌گوید: «وقتی آنکارا

هستم، خودم هستم ولی وقتی میرم شهر خودمان، مجبورم سیگار نکشم، ... و با دوستان جنس مخالفم، پنهانی و دور از چشم خانواده و آشنایان صحبت کنم.» ملک نیز که دانشجوی دانشگاه حاجت‌تپه آنکاراست با اشاره به اینکه در شهرک دانشگاه زندگی می‌کند، می‌گوید: «وقتی بیرون از شهرک میرم، دامن کوتاه نمی‌تونم بپوشم، انتخاب کلماتی که به کار می‌برم هم حتی باید فرق کنه، وگرنه با مشکل روبرو می‌شم. ولی اینجا بیشتر به اون چیزی که خودم هستم شبیه‌م.»

شرایط زمینه‌ای: در این مرحله، شرایط خاصی را که به شکل‌گیری کنش‌ها منجر شود، می‌توان در قالب «محیط زندگی مدرن یا غیرمدرن»، «نوع شغل» و «گرایش سیاسی» دانست. در باب محیط زندگی مدرن یا غیرمدرن، فایزه معتقد است که زمان زندگی در خوابگاه ناچار بوده، بیشتر از حالا که در خانه‌ای مستقل زندگی می‌کند، «حفظ ظاهر» کند. همچنین، آیسون که محقق است و در دانشگاه حاجت‌تپه کار می‌کند نیز برای شغل دانشگاهی خود اهمیت بسیاری قائل است و می‌گوید: «اگر خانه‌دار بودم، دیگر آیسون محقق و با عقاید فمینیستی نبودم که برای برابری می‌جنگد، بلکه زنی بودم که برای پدر، همسر و برادرش جای می‌ریزد. این شغل و جایگاه اجتماعی متفاوت ماست که زندگی‌مان را می‌سازد.» همچنین، شادی چپگرا نیز به آگاهی سیاسی امروز خود اشاره کرده و می‌گوید: «الان برخلاف بقیه زنان، به هیچ وجه دامن نمی‌پوشم، چون نقش تاریخی لباس در استعمار زنان رو می‌دونم.» همین‌طور بیلگی به نقش گرایش سیاسی خود و فعالیت حزبی‌اش اشاره کرده و می‌گوید: «ما هر روز در اینجا، زندگی برابر را تجربه می‌کنیم. مثلاً اگر یکبار دخترها دستشویی دفتر حزب را بشویند، یکبار هم پسرها باید اینکار را انجام دهند و این یعنی آزادسازی زنان!»

شرایط مداخله‌گر: در توضیح شرایط مداخله‌گر در مرحله تخطی از الگوی رایج جامعه‌پذیری جنسیتی، می‌توان به «اینترنت و روابط اجتماعی اینترنتی» اشاره کرد. این روابط در واقع، در این مقطع به زنان «شجاعت» لازم را در ادامه روند «متفاوت زیستن» و «هزینه دادن برای این سبک زندگی متفاوت» می‌دهد. همچنین اینترنت تسهیل‌کننده کنش‌هایی چون «حفظ ظاهر» نیز هست که از آن طریق، زنان مورد بررسی توانسته‌اند هزینه کم‌تری برای زندگی متفاوت خود پرداخت کنند، کم‌تر طرد شده و کم‌تر آسیب ببینند. بنابراین، شاید بتوان گفت که فضای مجازی و اینترنت بدیلی برای فضای حقیقی است که در آن زنان با صرف کمترین

هزینه، می‌توانند هویت اجتماعی واقعی خود را نشان دهند، خود باشند و کم‌تر طرد شوند و خارج از فشارهای اجتماعی مرسوم در فضای حقیقی، سبک زندگی متفاوت خود را ترویج کنند.

کنش‌ها: کنش‌ها و برهم کنش‌های این مرحله را می‌توان در «بروز رفتارهای خلاف عرف»، «ترویج و تکثیر افکار و رفتارها»، «هزینه دادن برای سبک زندگی متفاوت» و «حفظ ظاهر» خلاصه کرد. بسیاری از زنان مورد مطالعه در این پژوهش، با تکیه بر انجام رفتارهایی که علناً خلاف عرف و انتظارات اجتماعی از آنها است، همچنان در «زیست-جهان متفاوت و بیرونی» خود باقی مانده و بر آن پافشاری می‌کنند. به واسطه روابط اجتماعی اینترنتی و حقیقی، افکار و سبک زندگی خود را منتشر می‌کنند و با طرد شدن از جمع خانواده یا حتی شماتت شدن و محروم شدن در محیط دانشگاه، و مورد خشونت قرار گرفتن، هزینه‌های ناشی از این سبک زندگی را می‌پردازند. و نهایتاً برخی، با راهبردهایی چون «مخفی کردن خود واقعی در محیط‌های غیرخودی» و «دوری گزیدن از محیط‌های غیرخودی»، «حفظ ظاهر» می‌کنند. پیامدها: پیامدهای اصلی منتج از کنش‌های ذکر شده در بالا، «انزوا در سطح عمومی جامعه» و «بیش‌فعالی در بین خودی‌ها» است. اما هر دو این پیامدها آسیب‌های بسیاری را به زنان و روند حرکت جامعه به سمت برابری جنسیتی وارد می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله و پژوهش انجام شده با استفاده از روش کیفی تلاش شد، تجربه زیسته زنانی که هم‌جامعه آن‌ها را متفاوت با هنجارهای خود تلقی می‌کند و هم خودشان به متفاوت بودن خود آگاهی دارند فهمیده شود و خود آن‌ها بگویند تا چگونه اینترنت در ایجاد این تفاوت مؤثر بوده است. بنا به تجربه‌های زنان مورد بررسی، مواجهه با هویت‌های جنسیتی متفاوت و گاه متضاد با الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی جامعه مورد زیست آن‌ها و زیست-جهان‌های مختلف، عدم قطعیت را به‌رغم تمامی فشارهای کنترلی از سوی جامعه، به درون مرزهای تفکر آن‌ها وارد کرده و امکان زیستن به شیوه‌های متفاوت را برای آن‌ها، دست کم از لحاظ ذهنی امکان‌پذیر کرده است. اینترنت در این میان در برهه‌های «سرکشی به زیست-جهان بیرونی» و «مقاومت برای زندگی در زیست-جهان بیرونی» حضور داشته و نقش پررنگی اعم از

تسهیل‌کننده این سرکشی یا تخطی و تشویق آن‌ها برای مقاومت و ترویج این سبک زندگی داشته است. این موضوع، یعنی بررسی شیوه تأثیرپذیری آن‌ها از اینترنت برای تجربه زیستی متفاوت از زیست مطلوب عرف، موضوع اصلی این پژوهش بوده است.

این مقاله همچنین نحوه تأثیرپذیری افراد از پدیده اینترنت و روابط و امکان‌های ناشی از آن و به‌طور خاص تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت‌های جدید جنسیتی و این را نشان می‌دهد که چطور ابژه‌ها در روند جامعه‌پذیر شدن طی فرآیندهایی تحت تأثیر پدیده جهانی شدن و به‌طور خاص اینترنت به خلق هویت‌های نه‌چندان معمول جنسیتی اقدام می‌کنند. چنانکه پیشتر نیز مطرح شد، از یک منظر که تأکید آن بیشتر بر همسان‌سازی و متعارف‌سازی است، این تخطی‌ها، کج روی و نابهنجاری و نوعی کژکارکردی تلقی می‌شوند. در مقابل، از منظر دیدگاه‌های رادیکال، این تفاوت‌ها و تنوعات هویتی باید به رسمیت شناخته شوند و به جای اینکه تهدیدی اجتماعی تلقی شوند، زمینه‌ای برای بروز امکانات مختلف هویت‌یابی فردی قلمداد می‌شوند. بدیهی است که واکنش جوامع مختلف و نیز گروه‌های اجتماعی مختلف به این تنوعات و تغییرات به میزان سلطه یکی از دو رویکرد بالا بستگی دارد.



منابع

- اباذری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی. نامه علوم اجتماعی. ۲۰: ۲۷-۳.
- اسپوزیتو، جان، کامروا، مهران و واترپوری، جان (۱۳۹۱). جامعه مدنی و دموکراسی در خاورمیانه. برگردان محمدتقی دلفروز. تهران: فرهنگ جاوید.
- استراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی. برگردان ابراهیم افشار. تهران: نی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده؛ با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نی.
- باغبان مشیری، نیلوفر و شهابی، محمود (۱۳۹۶). تجربه کنارگذاری فضایی زنان برحسب نوع پوشش در شهر تهران، مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان، ۱۵(۱): ۱۵۷-۱۳۵.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۷). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. برگردان حسن چاوشیان. چاپ دوم. تهران: نی.
- پایدار، ابوذر، حاجی نژاد، علی و الالدین وندی، آیدا (۱۳۹۶). ارزیابی نقش ماهواره بر تغییرات فرهنگی زنان روستایی، مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان، ۱۵(۱): ۱۸۸-۱۵۹.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲). جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه کمال پولادی. چاپ دوم. تهران: ثالث.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۵). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. برگردان محسن ثلاثی. چاپ یازدهم. تهران: علمی.
- سایمونز، جان (۱۳۹۰). فوکو و امر سیاسی. برگردان کاوه حسین‌زاده‌راد. تهران: رخ داد نو.
- غفوری، آرزو و صالحی، کیوان (۱۳۹۵). بازنمایی فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان: مطالعه‌ای به روش نظریه برخاسته از داده‌ها، مطالعات اجتماعی و

روانشناختی زنان، ۱۴ (۴): ۲۰۸-۱۵۸.

غنام، فرها (۲۰۰۲). «بیرونی و اندرونی». برگردان رفعت شمس. قابل دسترسی در

<http://zannegaar.net/content/271> آخرین دسترسی: ۱۳۹۲/۴/۵.

کاستلز، مانوئل و مارتین این (۱۳۸۴). گفتگوهای با مانوئل کاستلز. ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوهرافشانی. تهران: نی.

کولایی، الهه و محمد حسین حافظیان (۱۳۸۵). نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۹). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نی.

گولومبوک، سوزان و رابین فی وش (۱۳۸۴). رشد جنسیت. ترجمه مهرناز شهرآرای. تهران: ققنوس.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰). گزیده جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.

مارشال، کاترین و گرچن ب. راس من (۱۳۸۱). روش تحقیق کیفی. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۹). جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی. تهران: گل آذین.

مقدم، والتین (۱۳۸۱). «جنسیت و جهانی شدن». ترجمه فیروزه مهاجر. فصل زنان. ۲: ۲۹-۷.

نش، کیت (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت. ترجمه محمد تقی دلفروز. چاپ پنجم. تهران: کویر.

هاید، جانث شیلی (۱۳۸۹) روان‌شناسی زنان؛ سهم زنان در تجربه بشری. برگردان اکرم خمسه. تهران: آگه و ارجمند.

Abazari, Yousef (2002). From Social Class to Life Style, *Social Science Letter* 20: 3-27. (Text in Perisan).

Abbott, Pamela and Wallace, Claire (2001). *An Introduction to Sociology: Feminist Perspectives*. Translated by M. Najm Araghi. Tehran: Ney (Text in Perisan).

Baghban, Moshiri., Niloufar and Shahabi, Mahmoud., (2017) Spatial Exclusion of Women Based on Their Clothing in Tehran, *Women's Studies: Sociological and*



- Psychological*. 15(1): 135-157(Text in Perisan).
- Blaikie, Norman. (2008). *Designing Social Research*. Translated by H. Chavoshian. Tehran: Ney(Text in Perisan).
- Brower, Loretta. (2001). Gender Socialization and the Cultural Construction of Elder Caregivers. *Journal of Aging Studies*, Watervliet, USA: 217-235 .
- Bryant, A. and Charmaz, K. (2007). *The Sage handbook of Grounded Theory*. London: sage Publications Ltd .
- Castells, Manuel and Ince, Martin. (2005). *Talking to Castells*. Translated by H. Chavoshian and L. Joharafshani. Tehran: Ney(Text in Perisan).
- Ecevit Yildiz ve and Nadide Karkiner (2011). *Toplumsal cinsiyet sosyolojisi*. Anadolu universitesi: Eskişehir .
- Esposito, John., Kamrava, Mehran and Waterbury, John (2012). *Civil Society and Democracy in the Middle East*. Translated by M.T Delforooz. Tehran: Farhang Javid(Text in Perisan).
- Ezazi, Shahla (2010). *Sociology of the Family: Role, Structure, and Function of the Family in Contemporary Era*. Tehran: Roshangaran va Motaleat Zanan(Text in Perisan).
- Fernea, Elizabeth (1985). *Women and Family in the Middle East*. Austin: University of Texas Press .
- Ghafoori, Arezu and Keyvan Salehi (2016) Using Grounded Theory to Represent the Process of the Transmogrification of Values with a Focus on Women. *Women's Studies: Sociological and Psychological*. 14, 4: 157-208(Text in Perisan)
- Ghanam, Farha (2002). *External and Internal Arenas*. Translated by R. Shams. Available at: <http://zannegaar.net/content/271>. Last Access 26/6/2013(Text in Perisan)
- Giddens, Anthony (2002). *Sociology*. Translated by M. Saboori. Tehran: Ney.(Text in Perisan)
- Giddens, Anthony (2011). *Sociology: Extracts*. Translated by H. Chavoshian. Tehran: Ney(Text in Perisan).
- Golmohammadi, Ahmad (2010). *Globalization Culture, Identity*. Tehran: Ney(Text in Perisan).
- Golumbook, Susan and Robbin Fay Wash (2005). *Gender Growth*. Translated by M. Shahraray. Tehran: Qoqnuş(Text in Perisan).
- Herring, Susan C. (2001). Gender and Power in Online Communication. *Center for Social Informatics Working Papers*. No: WP-01-05 .
- Howard-Payne, L. (2016) Glaser or Strauss? Considerations for selecting a grounded theory study. *South African Journal of Psychology*, 46(1): 50–62 .
- Hyde, Janet (2010). *The Psychology of Women and Gender: Half the Human Experience*. Translated by A. Khamseh. Tehran: Agah and Arjomand(Text in Perisan).

- Perisan).
- Koulai, Elaheh. and Hafezian, M. Hossein (2006). *Role of Women in the Development of Islamic Countries*. Tehran: University of Tehran Press(Text in Perisan).
- Marshall, Cathrine. and Gretchen, B. Rossman. (2002). *Designing Qualitative Research*. Translated by A. Oarsaeeyan and M. Arabi. Tehran: Office of Cultural Research(Text in Perisan).
- Moghaddam, Valentine (2002) *Gender and Globalization*. Translated by F. Mohajer. *Women's Season*. 2: 7-29(Text in Perisan).
- Mohammadi Asl, Abbas (2010). *Gender and Social Linguistics*. Tehran: Golazin.(Text in Perisan).
- Nash, Kate (2008). *Contemporary Political Sociology*. Translated by M. T.Delforooz. Tehran: Kavir(Text in Perisan).
- Paydar., Aboozar, Hajinezhad, Ali and Alladinvandi, A. (2017). Explaining the Role of TV Programs on Promoting the Cultural Development of Rural Women (Case Study: Western Kiar district, Kiar County). *Women's Studies: Sociological and Psychological*. 15: 1: 159-188(Text in Perisan).
- Ritzer, G. (2011). *Globalization: the Essentials*. Oxford: Wiley-Blackwell .
- Ritzer, George (2006). *Modern Sociological Theory*. Translated by M. Salasi. Tehran: Elmi(Text in Perisan).
- Robertson, Ronald (2003). *Globalization: Social Theory and Global Culture*. Translated by K. Pooladi. Tehran: Sales(Text in Perisan).
- Simons, John (2010). *Foucault and the Political*. Translated by K. Hossenzadehrad. Tehran: Rokhdad No(Text in Perisan).
- Straus, A. and Curbin, J. (2011). *Basics of Qualitative Research Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Tranlated by E. Afshar. Tehran: Ney(Text in Perisan).
- Strauss, A. and Corbin, J. (2008). *Basics of qualitative research* (the third edition). London: Sage Publication Ltd .
- Susman, N. M. and D. H. Tyson (2000). Sex and Power: Gender Differences in Computer-mediated Interactions. *Computers in human behavior*. 16: 381-394 .
- Wallerstein, I. (1991). The National and the Universal: Can There Be Such a Thing as World Culture? *Culture, Globalization and World-System*. London: Macmillan.



The Internet's Role in Gendered Socialization, and Changes in Women's Life Styles in Iran and Turkey

Homeira Moshirzadeh¹
Roqayeh Rezaei²

Abstract

Nowadays women's participation in societies is increasing and the fact that some women follow norms different from those dominant in their society is undeniable. Based on a conceptual framework inspired by gender socialization theory, globalization, public/private spheres, and Foucauldian concept of resistance, this article investigates the impact of the Internet on becoming "different". Deep interviews with twenty Iranian and Turkish women regarded as "different," provide information on their lived experience. On the basis of a quantitative analysis and grounded theory as formulated by Strauss and Corbin, the findings show that the primary socialization of these women has not been different from the mainstream society. In their secondary socialization, the first signs of difference emerged when they entered the public life. The third phase is when they began to resist and divert from dominant patterns of conduct. It is at this stage that they consciously act against traditions and violate standard norms. The Internet has been found to be an influential means through which they counter the outside life more easily and become more courageous in their opposition against traditional norms.

Keywords

gendered socialization, the Internet, life style, identity

1 Associate Professor, Department of International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 MA, Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Submit Date: 2016-05-16

Accept Date: 2017-12-27

DOI: 10.22051/jwsps.2018.9137.1154